



Revolution Studies

The Role of Ashura Teachings in the Political Mobilization of the Islamic Revolution

Nozar Aminsaremi¹

DOI :10.22034/FADEMO.2023.399394.1007

Abstract

In the process of revolutions, mobilization plays an essential role, which itself requires ideology and the formation of a kind of collective belief to influence the masses and prepare them for revolutionary action. In the Islamic Revolution of Iran, this matter was very powerful and widespread, because it was supported by the Shiite ideology and its rich and sublime teachings, and therefore, the dominant aspect of this revolution, according to most experts, is its spiritual and ideological dimension. During the Islamic revolution, the culture and values of the movement of Imam Hussein (AS) and the inspiration of that holy uprising were very effective, and the symbols and myths of this great movement, highlighted and assimilated by the leader of the Islamic revolution (Imam Khomeini (RA)) became a powerful tool in incitement. It became a popular and revolutionary mobilization and created capacities to overthrow the Pahlavi regime with the power of the people and replace it with the government of the Islamic Republic. This research has explained the issue by analyzing the content of Imam Khomeini's messages, speeches and statements, as well as the content of the slogans and resolutions of the marches in the process of the revolutionary movement and showing identifications - by using political mobilization theories, especially Geertz's assimilation theory. The results showed that Shiite doctrines created capacities for Imam Khomeini (RA) to transform them into the ideology of the revolution. Among the ideological elements of Shia, the uprising of Imam Hussain (AS) had the greatest effect in turning this ideology into a political mobilization.

Keywords: Political Islamic Revolution; Ideology; Ashura; Political Mobilization; Imam Hussain (AS); Imam Khomeini (RA).

1. Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Human Resource Sciences and Arts, Amin University of Administrative Sciences, Tehran, Iran

نقش آموزه‌های عاشورا در بسیج سیاسی انقلاب اسلامی

نوذر امین صارمی^۱

چکیده: در فرایند انقلاب‌ها، بسیج‌سازی نقشی اساسی دارد که خود نیازمند ایدئولوژی و شکل‌گیری نوعی باور جمعی است تا توده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آنها را برای کنش انقلابی آماده سازد. در انقلاب اسلامی ایران این امر بسیار پر قدرت و گسترده بود، به دلیل اینکه از پشتوانه ایدئولوژی شیعی و آموزه‌های غنی و متعالی آن برخوردار بود و لذا وجهه غالب این انقلاب به اذعان اکثر صاحب‌نظران بُعد معنوی و ایدئولوژیک آن است. در فرایند انقلاب اسلامی، فرهنگ و ارزش‌های نهضت امام حسین^(ع) و الهام از آن قیام مقدس بسیار اثرگذار بود. نمادها و اسطوره‌های این نهضت عظیم با برجسته‌سازی و همانندانگاری رهبری انقلاب اسلامی (امام خمینی) به ابزار قدرتمندی در تهییج مردمی و بسیج انقلابی مبدل شد و ظرفیت‌هایی ایجاد کرد تا با قدرت مردمی، رژیم پهلوی را سرنگون و حکومت جمهوری اسلامی را جایگزین آن کند. این پژوهش با تحلیل محتوای پیام‌ها، سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی همچنین محتوای شعارها و قطعنامه‌های راهپیمایی‌ها در فرایند جنبش انقلابی و نشان دادن همانندسازی‌ها - با استفاده از نظریه‌های بسیج سیاسی به‌ویژه تئوری همسان‌انگاری گیرتر - به تبیین موضوع پرداخته است. نتایج نشان داد آموزه‌های شیعی ظرفیت‌هایی را ایجاد کرد تا امام خمینی آنها را به ایدئولوژی انقلاب مبدل نماید. از بین عناصر ایدئولوژیک شیعه، قیام امام حسین^(ع) بیشترین تأثیر را در تبدیل این ایدئولوژی به بسیج سیاسی داشت.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، ایدئولوژی، عاشورا، بسیج سیاسی، امام حسین^(ع) امام خمینی.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم و فنون منابع انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.
naminsaremi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

طرح موضوع

ایدئولوژی یکی از ابعاد اساسی روند بسیج انقلابی محسوب می‌گردد. این مقوله زمانی که به صورت فراگیر در جامعه ظهور و پذیرفته شود توانایی بالایی در بسیج همگانی پیدا می‌کند. در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، قدرت انگیزش ایدئولوژی به گونه‌ای بود که بخش اعظم توده‌های شهری و روستایی ایران را به جنبش درآورد و به قیام علیه حکومت شاه واداشت. این ایدئولوژی که مبتنی بر آموزه‌ها و آرمان‌های شیعی بود از زمان اولیه نهضت تا اوج قیام مردمی توانست اسلام انقلابی را به عنوان مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب مطرح نماید. به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران آن را انقلابی کاملاً ایدئولوژیک و معنوی می‌شناسند. رهبری انقلاب - امام خمینی - خود به صراحت به این نکته اشاره دارد: «بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص. ۴۰۲). میشل فوکو^۱ آن را «انقلاب به نام خدا» نامیده و معتقد است:

زبان شکل و محتوای مذهبی انقلاب اسلامی ایران امری عارضی، اتفاقی و تصادفی نیست بلکه تشیع بود که با تکیه بر موضع مقاومت و انتقادی دیرینه خود در برابر قدرت‌های سیاسی حاکم و نیز نفوذ عمیق و تعیین‌کننده در دل انسان‌ها، توانست نقش آفرینی نماید (بلانشه و بریه، ۱۳۷۲، ص. ۸۶).

اساساً جمعیت پذیرنده آرمان‌های انقلاب اسلامی برخلاف سایر انقلاب‌های معاصر بسیار کثیر بود و جزء بخشی از روشنفکران که با عقاید مارکسیستی یا لیبرالی در انقلاب شرکت داشتند، عموم مردم از آرمان‌های اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی طرفداری می‌کردند و لذا هویت فرهنگی ایدئولوژی انقلاب اسلامی از تفاوت‌های عمده آن با سایر انقلاب‌های معاصر محسوب می‌گردد. وجود ۸۰ هزار مسجد و ۱۸۰ هزار روحانی در سراسر کشور نوعی تشکیلات اساسی و زیربنایی در کشور بود که در ماه‌های محرم و صفر توده‌های مردم را به جهتی که خواست رهبران مذهبی (آیت‌الله خمینی) بود سوق داد (هویدا، ۱۳۷۱، ص. ۱۶).

امام خمینی و سایر روحانیون و روشنفکران مذهبی گفتمان عاشورا را برجسته ساخته و با همانندسازی حرکت انقلاب اسلامی با نهضت امام حسین^ع جنبش فراگیر را در نیمه‌های دوم دهه پنجاه برپا کردند.

امام خمینی در کتاب ولایت فقیه، صف‌بندی بین جبهه حق و جبهه باطل را با تمثیل قیام سیدالشهدا^ع در برابر سلطنت یزید مطرح نمود و در همان کتاب مسلمانان را به قیام در برابر

1. Michel Foucault

حکومت جور شاهنشاهی فراخواند. پس از آن نیز در عموم بیانات و سخنرانی‌هایشان به واقعه عاشورا اشاراتی داشته و آن اسطوره‌ها را الگویی برای جنبش انقلابی ایران قرار داد. علاوه بر امام خمینی، سایر نخبگان و روشنفکران انقلابی نیز با بهره‌گیری از قیام امام حسین^(ع)، ایدئولوژی انقلاب را بارور می‌کردند. مطهری با کتاب حماسه حسینی و شریعتی با کتاب‌های شهادت و پس از شهادت نقش برجسته‌ای در فراگیر ساختن بسیج انقلابی متأثر از آموزه‌های عاشورا داشتند. بعد از آیت‌الله خمینی، علی شریعتی تأثیرگذارترین چهره روشنفکرانه نزد جوانان بود (kepel,2002,p.37).

سخنرانی‌های این دو روشنفکر از طریق نوار کاست به تعداد زیادی و در بین مردم توزیع می‌شد. گروه‌های مذهبی حتی مارکسیست‌های اسلامی مانند سازمان مجاهدین (منافقین) نیز با انتشار کتاب‌هایی چون راه حسین به همسان‌سازی با قیام امام سوم شیعیان در کربلا دست می‌زدند همچنین افرادی مانند طالقانی، بازرگان و... در این زمینه آثاری منتشر کردند.

رهبری امام خمینی نقش اصلی را در مبدل کردن تفکر شیعه، به‌عنوان ایدئولوژی مسلط و گفتمان غالب انقلاب اسلامی داشت. اساساً یکی از وظایف مهم رهبری تدوین و ارائه ایدئولوژی انقلاب است. ایدئولوژی انقلاب برای برخورداری از مقبولیت وسیع اجتماعی باید دربرگیرنده طرد و نفی نظام و ارزش‌های موجود و مطرود بوده و آینده مطلوبی را پیش روی انقلابیون ترسیم کند (محمدی، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۲) و امام خمینی با بهره‌گیری از فرهنگ شیعی و همانندسازی جنبش انقلابی ایران با اسطوره‌ها و حوادث تاریخی آن، بسیج مردمی بی‌نظیری را به راه انداخت.

نهضت عاشورا و قیام امام حسین^(ع) شاید مهم‌ترین عنصری بود که با دارا بودن فرهنگ شهادت، ایثار و مبارزه برای پیروزی، گفتمان غالب ایدئولوژی انقلاب اسلامی را تشکیل داد. این امر در شکل‌گیری بسیج سیاسی نقش اساسی داشت. امام نیز با آگاهی از ظرفیت‌های محرم و قابلیت‌های تشکلی و هیأت‌های مذهبی در این ماه و استفاده از فرصت‌های وعظ و عزاداری، مردم را به مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی (که یزیدیان نام گرفته بودند) و رها شدن از ظلم و ستم و تداوم قیام امام حسین^(ع) فراخواند.

وقایع تاریخی صدر اسلام به‌عنوان علل ذهنی انقلاب اسلامی در تحریک اراده مردم تأثیر زیادی داشته که مهم‌ترین آنها قیام امام حسین^(ع) است. سخنان آن حضرت حماسی و تحریک‌کننده بوده تا حدی که خون‌ها را به جوش آورد و ارواح را به حرکت واداشت (متقی‌زاده، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۹). فتحی شقایی در پیشگفتار کتاب جهاد اسلامی آورده است: «میان شهادت امام حسین^(ع) در بیش

از ۱۳۰۰ سال پیش، سرنگونی نظامی که مدرن‌ترین و با ثبات‌ترین نظام‌های غرب آسیا شمرده می‌شد ارتباط تنگاتنگی وجود دارد» (شقایق، ۱۳۶۵، ص. ۳۹).

حادثه عاشورا که در سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد به‌عنوان هسته اصلی حرکت شیعه علیه ظلم و جور حکام تلقی می‌گردد که در انقلاب اسلامی توانست در بسیج انقلابی توده‌ها نقش بی‌بدیلی داشته باشد. سایر نخبگان و روشنفکران مخالف رژیم نیز در سال‌های انقلاب در کتب و سخنرانی‌های خود این واقعه را به ایدئولوژی فراگیری برای مبارزه با رژیم طاغوت مبدل نمودند. روحانیون و وعاظ نیز در پایان منابر خود واقعه کربلا و مبارزه با امام حسین^(ع) را پیش کشیده و با همسان‌انگاری جنبش انقلابی ایران با آن، مردم را به قیام علیه رژیم حاکم تحریک می‌نمودند. در این رابطه فیشر معتقد است:

مراسم و مناسبت‌های دینی مانند عاشورا، شخصیت‌های مثبت و منفی دینی و تاریخی را مجسم می‌ساخت و این امکان را برای مردم ایران فراهم آورد که مقامات حکومتی از جمله شاه را به‌عنوان نماینده فساد، ستم و بی‌اخلاقی بشناسد. مثلاً شاه را مساوی با یزید قرار می‌دادند (Fischer, 1980, p.15).

اساساً نهضت انقلابی ایران تداوم «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» تلقی می‌شد که به‌منظور نابودی طاغوت، اقامه عدل و امر به معروف و نهی از منکر برپا و مشارکت در آن بر هر مسلمان واجب بود.

این پژوهش در همین راستا و در پاسخ به این سؤال شکل گرفته که آموزه‌های عاشورا چگونه به‌عنوان یک ایدئولوژی غالب در بسیج فزاینده سیاسی عمل نمود؟

این مطالعه به‌صورت توصیفی - تحلیلی انجام و روش گردآوری داده‌ها به‌صورت اسنادی (کتابخانه‌ای) است که از داده‌های اولیه (مجموعه بیانات، پیام‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی) و داده‌های ثانویه جهت تمهید مبانی نظری و تعاریف استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در چارچوب قیاسی و عمدتاً از طریق تحلیل محتوا و مقوله‌بندی پیام‌ها و شعارها صورت گرفته است.

برای تبیین موضوع با استفاده از چارچوب نظری بسیج سیاسی و نظریه همانندسازی گیرتر، مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های رهبر انقلاب امام، تحلیل محتوا و همسان‌سازی‌های جنبش انقلابی ایران و واقعه کربلا و نهضت امام حسین^(ع) مورد بررسی قرار گرفته تا نشان داده شود که چگونه آموزه‌های قیام عاشورا به‌عنوان عنصر اساسی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی و بسیج سیاسی توده‌های مسلمان ایران به کار گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

درباره رابطه انقلاب اسلامی ایران و حماسه عاشورا پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است. در مقاله «تأثیر فرهنگ عاشورا و نمودهای عینی آن در اندیشه و زندگانی امام خمینی» (۱۳۷۵) نویسنده نتیجه گرفته است که فرهنگ عاشورا، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی، عرفانی و نظامی در اندیشه و زندگانی امام خمینی تجلی داشته است. جمیله کدیور هم در پژوهش «نقش نهضت عاشورا در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ایران» (۱۳۷۵) آورده است نهضت عاشورا یک نهضت عظیم فرهنگی است که ابعاد گوناگون حیات انسان را دربردارد. عبدالمجید معادیخواه هم در پژوهش «نقش عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی» (۱۳۷۵) آورده است عاشورا در تاریخ اسلام، در دوره‌های مختلف تاریخی و به‌ویژه در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی بازتاب داشته و البته در حال حاضر جامعه ما در زمینه تاریخ سیاسی عاشورا به فقر فرهنگی دچار شده است.

همچنین احمد احمدی بیرجندی در مقاله «تأثیر فرهنگ عاشورا بر هنر و ادبیات فارسی» (۱۳۷۵) به این موضوع پرداخته که نگاه نویی به این موضوع است. بهجت یزدخواستی و حسن موحدیان در مقاله «تأثیر انقلاب عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران» (۱۳۸۹) آورده‌اند که انقلاب اسلامی را بدون تمرکز بر انقلاب عاشورا نمی‌توان تبیین نمود. و پرسشی اساسی که مطرح نموده‌اند اینکه کدام‌یک از عوامل انقلاب عاشورا در انقلاب اسلامی سهم بیشتری داشته و امام خمینی چگونه از آن در به ثمر رساندن انقلاب استفاده کرده است. در نتیجه‌گیری آمده است پیروزی انقلاب و پویا ساختن شیعه از عاشورا و نهضت امام حسین^(ع) الگوبرداری و تأثیرپذیری دارد.

امام خمینی با استفاده از پتانسیل عاشورا و با توجه به قدرت جذب، الهام، سازمان‌دهی و شورآفرینی کربلا و عزاداری‌های ایام محرم، روح شهادت‌خواهی را در مردم بیدار کرد و راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا بود که در آخرین سال حکومت رژیم پهلوی ضربه نهایی را بر آن زد.

ادبیات و مبانی نظری

بسیج سیاسی

واژه بسیج به معنی هدایت مردم و امکانات آنان در کنش‌های جمعی است. این مفهوم به شکل متعارف، معرفی‌کننده فرایندی است که به‌واسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شوند. تیلی معتقد است: «بسیج فرایندی است

که یک گروه به واسطه آن به کنترل بر منابع لازم برای کنش جمعی دست می‌یابد» (تیلی، ۱۳۸۵، ص. ۱۹). در حقیقت، روندی است که در آن یک واحد اجتماعی به سرعت بر منابعی که پیش‌تر بر آنها کنترل نداشته، کنترل پیدا می‌کند (Etzioni, 1968, p.388). گروه‌های مدعی قدرت حکومت، در راستای اهداف و منافع گسترش یافته سازمان‌دهی نموده و دست به بسیج جمعیت می‌زنند. بسیج یکی از ارکان اساسی انقلاب محسوب می‌گردد. انقلاب منازعه‌ای است سیاسی برای تصرف قدرت حکومتی که در آن گروه‌های درگیر در کشاکش قدرت، عمدتاً از خارج از دستگاه قدرت مستقر برمی‌خیزند و در آن بخش عمده‌ای از جمعیت به گونه‌ای مؤثر شرکت می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۲، ص. ۷۹).

اساساً وضعیت انقلابی وضعیتی است که در آن گروه‌های اجتماعی می‌توانند به سازمان‌دهی و بسیج منابع و نیروهای خود پردازند. در این وضعیت، جمعیت در مقابل گزینش‌های مختلف قرار می‌گیرد و بر اساس آنها به درون منازعه سیاسی کشیده می‌شود. برای فهم وضعیت انقلابی باید اجزاء تشکیل‌دهنده جامعه سیاسی و منافع و سازمان‌دهی و امکانات بسیج و فرصت عمل و روابط آن اجزاء را با یکدیگر بازشناخت. در تحلیل وضعیت انقلابی باید دید چه گروه‌هایی و چگونه در روند منازعه قدرت در سازمان‌دهی و بسیج عمومی موفق‌ترند و در عمل سیاسی و انقلابی پیروزی را از آن خود می‌کنند. سازمان‌دهی به منافع گروهی، لازمه بسیج و خود تا اندازه‌ای به معنی بسیج منابع و نیروهاست و بسیج به معنی فعال شدن از نظر سیاسی و کاربرد منابع قدرت گروه در جهت اهدافی است که به وسیله ایدئولوژی آن تعیین می‌شود. بسیج سیاسی نیازمند نمادها و شعارهایی است که به وسیله ایدئولوژی بسیج تأمین می‌گردد (بشیریه، ۱۳۸۲، ص. ۸۱) و لذا یکی از ابعاد اساسی بسیج انقلابی، ایدئولوژی است.

ایدئولوژی

دستوت دو تراسی^۱ برای نخستین بار در انقلاب فرانسه (۱۷۹۵) مفهوم ایدئولوژی را به معنای دانش آرا و عقاید به کار برد (توحید فام، ۱۳۸۱، ص. ۴۲)؛ اما بعدها دستخوش تغییراتی از لحاظ معنا شده و به صورت آرا و عقاید و اندیشه‌هایی درباره انسان و جامعه پدیدار شد. کارل مانهایم نیز در کتاب *ایدئولوژی و اتوپیا* (۱۳۵۵) ایدئولوژی را سبک‌های اندیشه درباره پدیده‌های اجتماعی معرفی کرد. تالکوت پارسونز (۱۹۵۱) ایدئولوژی را یک نظام اعتقادی که اعضای یک جمع در آن اشتراک دارند و نیز طرحی تفسیری در نظر گرفت که گروه‌های اجتماعی

1. Destut de Tracy

از آن استفاده می‌کنند تا جهان را برای خود فهم‌پذیر سازند (راش، ۱۳۷۷، ص. ۲۰۳). گگی روشه^۱ معتقد است ایدئولوژی عبارت از سیستمی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن و صریح و عموماً سازمان‌یافته است که موقعیت یک گروه یا جامعه را توجیه، تفسیر، تشریح و اثبات می‌نماید (روشه، ۱۳۶۶، ص. ۹۹) این تعریف، برداشتی غیر مارکسیستی از ایدئولوژی است. موریس دوورژه ایدئولوژی را نظام فکری تعریف می‌کند و معتقد است که دو نقش مهم دارد: الف) اعتراضات خصوصی را هماهنگ می‌کند و آنها را در قالب تعارض و کشمکش جمعی درمی‌آورد. ب) به این تعارض خصلت اعتراض به ارزش‌ها را می‌دهد و از این راه تعهد عمیق‌تری را ایجاد می‌کند. ایدئولوژی قبل از هر چیز آگاهی سیاسی را گسترش را می‌دهد و از سوی دیگر بر نظام ارزشی مبتنی است؛ یعنی اینکه ایدئولوژی تنزل‌اندیشه به سطح عمل است و لذا مشوق و وسیله عمل سیاسی قرار می‌گیرد.

ژان بشلر ایدئولوژی را با سیاست پیوند می‌زند و معتقد است از آنجا که غایت نهایی سیاست، قدرت است، ایدئولوژی مجموعه تصوراتی توأم با عمل سیاسی می‌شود که هدف آن حفظ یا براندازی قدرت حاکم است (بشلر، ۱۳۷۰، ص. ۱۲) در مبارزات سیاسی مانند انقلاب‌ها، ایدئولوژی نقش اساسی دارد. بدون وجود ایدئولوژی مشترک، گروه‌های پراکنده اجتماعی هرگز قادر به اتحاد با یکدیگر نیستند و در نتیجه تنش‌های موجود در جامعه بدون تأثیر بر ساخت اجتماعی مضمحل و ناپدید خواهد شد؛ اما زمانی که آن دسته از افرادی که علایق خفته‌شان آشکار شده به سلاح ایدئولوژی نیز مسلح شوند و اگر آن ایدئولوژی ماهیت همگانی و قابل قبول و درک وسیع‌تری پیدا نماید می‌تواند از محدوده میدان خود فراتر رود و سایر گروه‌ها و اقشار اجتماعی را به خود جلب نموده و در نهایت ایدئولوژی رقیب را از صحنه خارج کند. در انقلاب‌ها، فرایند بسیج سیاسی عمدتاً به وسیله ایدئولوژی صورت می‌پذیرد. ایدئولوژی قادر به تحریک و اقناع توده‌ها و بسیج انقلابی است. هنگامی که یک ایدئولوژی به چنان درجه‌ای از تکامل برسد که بتواند به یک ایدئولوژی انقلابی تبدیل گردد سه عنصر هدف، وسیله و ارزش در آن قوت می‌یابد.

ایدئولوژی بسیج انقلابی

ایدئولوژی‌های انقلابی اگرچه ممکن است بر اساس دستگاه فکری و فلسفی بنا شده باشند؛ اما اساساً در پی دستیابی به نتایج عملی هستند. ایدئولوژی برعکس نظریه فلسفی که در پی انگیزش فرد

1. Guy Rocher

به تعقل است، می‌کوشد تا احساس او را برانگیزد (بشیریه، ۱۳۸۲، ص. ۸۱) از نظر جانسون مهم‌ترین عملکرد ایدئولوژی (نظام ارزشی) مشروعیت و مقبولیت بخشیدن به بهره‌برداری از قدرت است (جانسون، ۱۳۶۳، ص. ۴۱) وی معتقد است ایدئولوژی انقلابی دارای عناصر زیر است: ۱. ارزش‌ها، ۲. اهداف (فرهنگ هدفی)، ۳. وسایل (فرهنگ انتقالی). هنگامی که یک ایدئولوژی به چنان درجه‌ای از تکامل دست یابد که بتواند به یک ایدئولوژی انقلابی تبدیل گردد؛ سه عنصر هدف، وسیله و ارزش را شامل خواهد شد. این ایدئولوژی‌ها همان‌هایی هستند که آنتونی والاس فرهنگ‌های هدفی نامید و همیشه وسیله دستیابی به اهداف را ارائه می‌دهند (جانسون، ۱۳۶۳، ص. ۹۰).

ایدئولوژی‌ها همواره جانشین‌های احتمالی برای ساخت ارزش موجود هستند. ایدئولوژی انقلابی، یعنی برنامه‌ای برای تحول فوری در وضع فعلی و اغلب آنها ماهیتی مذهبی دارند. در واقع هر نهضتی که معتقد به برخورداری حامیان خود از امدادهای الهی باشد بر مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی استوار است و بر این نکته تأکید دارند که امدادهای الهی خیلی زود به کمک انقلابیون می‌شتابند و به‌فوریت شرایط موجود را متحول و دگرگون می‌سازند.

برخی از تحلیل‌گران ایدئولوژی انقلابی مانند ژرژ سورل قدرت انگیزش ایدئولوژی انقلابی را ناشی از خصلت افسانه‌پرداز آن می‌دانند. به نظر سورل، اعتقاد عقلایی نمی‌تواند توده‌های عظیم را به جنبش وادارد؛ اما از آنجایی که ایدئولوژی انقلابی مایه اصلی افسانه است شور و احساس و تصمیم به عمل را برمی‌انگیزد. بنیاد ایدئولوژی در افسانه است و افسانه می‌تواند نیروهای خلاقه تاریخی یک عصر را به جنبش در آورد. میرچا الیاد^۱ ایدئولوژی‌های انقلابی را تداوم افسانه‌های کهن می‌داند به گمان او در ایدئولوژی‌های انقلابی عناصری از افسانه‌ها را می‌توان یافت. مثلاً کارل مارکس یکی از افسانه‌های بزرگ خاورمیانه و تمدن مدیترانه‌ای، یعنی نقش شخصیت‌هایی بخش عدالت گستر آینده (انسان برگزیده، مسیح، معصوم، مبشرین و امروزه هم پرولتاریا) را به کار گرفت (Eliade, 1967, p.260).

در همه رفتارهای جمعی، بسیج اصل اساسی آن محسوب می‌گردد. در بسیج سازی همواره نوعی باور شکل می‌گیرد که شرکت‌کنندگان را برای کنش آماده می‌کند و این همان عاملی است که اسلمسر آن را عقاید تعمیم یافته می‌نامد. در این رابطه میرلو^۲ معتقد است تکرار مدام یک نماد عاطفی، توده‌ها را آماده می‌کند تا تحت تأثیر کلمه یا عبارتی شعارگونه و کلیدی قرار گیرند. این کلمه یا عبارت محرک می‌تواند در زدن جرقه‌ای برای انفجار جمعی خاص، حکم

1. Eliade

2. Merlot

یک عامل تسریع کننده را داشته باشد. بریتون نیز می گوید اگر ایده‌ها نباشند انقلابی به وجود نخواهد آمد. این بدان معنا نیست که انقلاب‌ها معلول ایده‌هایند بلکه صرفاً بدان معناست که ایده‌ها بخشی از متغیرهای وابسته‌ای را شکل می‌دهند (بریتون، ۱۳۶۶، ص. ۱۲۵۰)؛ متغیرهایی که می‌تواند بر بسیج سیاسی اثر گذار باشد.

از نظر اسملسر عقاید تعمیم یافته، افرادی را برای کنش جمعی آماده می‌کنند. آنها فرهنگ مشترکی را به وجود می‌آورند که در درونش رهبری، بسیج، کنش جمعی می‌تواند به وقوع بپیوندد. این اصل به راحتی در تعالیم ایدئولوژیک جنبش‌های سیاسی و مذهبی قابل مشاهده است (اسملسر، ۱۳۸۰، ص. ۱۲۶) گروه‌های مدعی قدرت حکومت، کم‌وبیش همواره و همه جا وجود دارند؛ اما مهم این است که چگونه و در چه زمانی آنها گسترش می‌یابند، سازمان‌دهی می‌کنند و دست به بسیج جمعیت می‌زنند. بسیج به معنی فعال شدن از نظر سیاسی و کاربرد منابع قدرت گروه در جهت اهدافی است که به وسیله ایدئولوژی آن تعیین می‌گردد (بشیریه، ۱۳۸۲، ص. ۷۹). تیلی معتقد است وقتی بسیج از حد سازمان گروهی فراتر رود و بخشی از جمعیت را به اعطای منابع خواسته شده برای دستیابی به هدف مطلوب برانگیزند، جنبش پدید می‌آید. میزان سازمان‌یافتگی گروه بسیج‌گر، در کار بسیج سخت مؤثر است. هر چه روابط درونی و فرهنگ مشترک در داخل گروه بسیج‌گر گسترده‌تر باشد احتمال پیروزی آن بیشتر است؛ زیرا ارتباطات و فرهنگ مشترک موجب پذیرش تعبیری یکسان نسبت به امور مورد نظر می‌گردد.

بسیج سیاسی نیازمند نمادها و شعارهایی است که به وسیله ایدئولوژی بسیج تأمین می‌گردند. ایدئولوژی‌های انقلابی معمولاً دارای دیدگاهی دراماتیک نسبت به واقعیت هستند و نیکی و بدی و حق و ناحق را به آسانی مشخص می‌کنند. همین دیدگاه دراماتیک زمینه مساعدی برای رشد افسانه است. افسانه‌پردازی و ساده‌سازی واقعیت در ایدئولوژی انقلابی تا اندازه زیادی علت شور و احساس دوره انقلاب است و لذا ایدئولوژی نقش عمده‌ای در برانگیختن افراد و بسیج انقلابی دارد که ناشی از اسطوره‌سازی و همانندسازی با آن است.

خوانش کلیفورد گیرتز

سازمان، رهبری و ایدئولوژی ابعاد اصلی روند انقلابی محسوب می‌شوند (بشیریه، ۱۳۸۲، ص. ۸۱) که هر سه ارتباط مستقیم و تکمیلی در رابطه با بسیج سیاسی دارند. رهبری با به کارگیری ایدئولوژی دست به سازمان‌دهی زده و بسیج انقلابی را موجد می‌شود. نظریه همانندسازی

اسطوره‌ای که کلیفورد گیرتز^۱ آن را مطرح کرده معتقد است رهبری با پیوند برقرار کردن بین جنبش و ارزش‌های محوری جامعه به کاریزما دست می‌یابد (Geertz, 1983, p.8) و با استفاده از نفوذ کلام و شخصیت خود، توده‌ها را به حمایت از جنبش انقلابی فرامی‌خواند.

کلیفورد گیرتز از انسان‌شناسان پرآوازه توانسته است دگرگونی‌های گسترده‌ای در تعریف فرهنگ با رویکرد روش‌شناسی تفسیری پدید آورد. او بر پایه مشاهده و بازگشت به میدان در علوم اجتماعی، الگوی تازه‌ای به نام روش «هرمنوتیک» و «نشانه‌شناسی» در انسان‌شناسی دین و دین‌پژوهی ایجاد کند. گیرتز همچون ویتگنشتاین متأخر، معتقد است نمادها فرایندی ذهنی و انتزاعی نیستند بلکه ساختی از پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌روند؛ زیرا فرهنگ، عامل قدرت یا امری علی در جهان نیست بلکه متنی است که مردم در آن زندگی می‌کنند. از این رو، میان ساخت اجتماعی و فرهنگ، رابطه‌ای دوسویه وجود دارد (فکوهی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۲). بازنمایی از طریق نمادهای پنهان زمانی اتفاق می‌افتد که جوامع و افراد و گروه‌های اجتماعی درون آن از دلالت‌های نمادین خبر ندارند و نمی‌دانند که یک نماد نشان از چه چیزی دارد (گیویان، ۱۳۸۶، ص. ۱۵).

روش تفسیری گیرتز، ساختاری درونی و امیک دارد. امیک معنای درک دیدگاه درونی یا پنداشت فرد، درباره ذهنیت‌ها یا رفتارهای خود به کار می‌رود. انسان‌شناس در این شیوه، همچون مترجمی در ریزترین بخش‌ها و ذهنیت‌ها و یا رفتارهای فرد درنگ می‌کند تا بتواند آن را درباره رفتار یا جهان پیرامون دریابد و یا اینکه آن را به نوعی ترجمه کند. روش تفسیری گیرتز، بودن در چارچوب درک فرهنگ خود، در پی درک فرهنگ دیگری است که پژوهشگر در آن پنداشت خود را درباره ذهنیت و رفتار فرد عرضه می‌کند (کرمی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۳).

در بررسی انقلاب اسلامی ایران به نظر می‌رسد تئوری همانندسازی گیرتز سازه مناسبی برای تبیین کارکرد ایدئولوژی در بسیج انقلابی باشد. لذا فرضیه اصلی این مقاله نیز این است که رهبری انقلاب اسلامی با پیوند جنبش با نمادها و اسطوره‌های نهضت حسینی و همانندسازی با آن امکان فراگیری و توده‌ای شدن جنبش را فراهم ساختند؛ این همانندسازی در بیانات و سخنرانی‌های امام و نیز در شعارها و کنش‌های انقلابی در فرایند انقلاب اسلامی تجلی دارد.

همانندسازی انگاره‌های عاشورا در گفتمان رهبری

رهبری امام خمینی، نقش بی‌بدیلی را در شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی و استفاده از عناصر پر قدرتی چون حماسه عاشورا داشت. البته رهبری امام در فرایند تاریخی انقلاب ظهور

1. Clifford Geertz

نیافت بلکه تکوین ایدئولوژی و تبدیل آن به بسیج سیاسی و سازمان‌دهی آن برای سرنگونی رژیم پهلوی معطوف به فعالیت‌ها و کوشش‌های ایشان بود. فرایندی که از سال ۱۳۴۲ آغاز و منجر به دستگیری و تبعید وی به کشور عراق شد.

امام خمینی در دوران تبعید در نجف با نوشتن کتاب ولایت‌فقیه، از ایدئولوژی شیعه و به‌ویژه واقعه کربلا برای نفی وضع موجود و طرح ارزش‌های مسلط بر نظام حاکم به‌خوبی استفاده نمود. وی در این کتاب تأکید داشت:

سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطلی است که حضرت سیدالشهداء^(ع) برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت نشناسد قیام فرمود و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد. اینها از اسلام نیست. اسلام سلطنت و ولایتعهدی ندارد (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص. ۱۴).

امام با طرح این موضوع برای اولین بار در همان سال رهبری انقلاب، ارزشی را که سال‌ها تبلیغ و جزو اصلی قانون اساسی کشور شناخته‌شده بود باطل و آن را همانند حکومت یزید اعلام و ایدئولوژی شیعه را به منبعی مهم در برابر ارزش‌های رژیم پهلوی بدل نمود.

قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ شاید اولین بسیج سیاسی گسترده‌ای بود که در اعتراض به حمله رژیم به مدرسه فیضیه و مجروح و شهید نمودن طلاب و مردم صورت گرفت. این واقعه در ابتدای ماه محرم آغاز شد. فرارسیدن این ماه، جنبش انقلابی ایران را به رویارویی گسترده مردم با رژیم مبدل کرد. ساواک که از جایگاه این ماه در بین مردم اطلاع داشت، پیش از آغاز آن، بسیاری از وعظ‌ها را احضار و آنان را ملزم کرد که در محافل و مجالس این ماه: ۱. علیه شاه سخن نگویند؛ ۲. علیه اسرائیل مطلبی گفته نشود؛ ۳. به مردم نگویند که اسلام در خطر است. امام خمینی در نشستی با مراجع و علمای قم، پیشنهاد کرد در روز عاشورا هر یک از آنها برای مردم و عزاداران حسینی سخنرانی کرده و از مظالم و جنایات رژیم پرده بردارند. امام خود نیز بعد از ظهر عاشورای ۱۳۴۲ (۱۳ خرداد) در مدرسه فیضیه سخنرانی کرد. وی پس از بیان فجایع دلخراش کربلا، حمله ارتش شاه به فیضیه را به واقعه کربلا تشبیه نمود و شاه را با یزید مقایسه نمود. دو روز پس از این سخنرانی امام دستگیر و به تهران منتقل شد.

از آن زمان به بعد در فرایند جنبش مردمی در انقلاب اسلامی ایران، ماه محرم به‌ویژه برای روحانیون و برای برانگیختن احساسات انقلابی و بسیج مردم بهترین فرصت بود که آنها با استفاده از سخنان امام حسین^(ع) اراده مردمی را تحریک می‌کردند (متقی‌زاده، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۹)؛ در باور عمومی مردم شیعه مذهب ایران نه تنها سلسله شاهی، حکومت دینی به حساب نمی‌آمد بلکه

مردم آن را حکومت جور می‌دانستند و معارضة با آن بر اساس تکلیف دینی اجتناب‌ناپذیر بود (حاضری، ۱۳۸۰، ص. ۷۲).

مرحله دیگری از جنبش انقلابی ایران در دی‌ماه ۱۳۵۶ با درج مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات درباره امام خمینی آغاز شد (زیباکلام، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۱). بازتاب این مقاله در قم منجر به حوادثی شد. در این شهر نمایندگی روزنامه به آتش کشیده شد و در عکس‌العمل رژیم تعدادی از اهالی این شهر به شهادت رسیدند. در اربعین شهدای قم در ۲۹ بهمن ۵۶ مردم تبریز با تأسی از اربعین شهدای کربلا، عزاداری نموده و با جنبش توده‌ای با تظاهرات و آتش زدن سینماها مشروب‌فروشی‌ها و مقر حزب رستاخیز خشم خود را نسبت به رژیم بروز دادند و سرانجام ارتش با کامیون‌های سرباز و تانک‌های خود صحنه‌ای خونین به وجود آورده و ده‌ها نفر را به شهادت رساند.

این همانندسازی چهلم شهادت‌ها با اربعین حسینی در شهرهای دیگر نیز تکرار شد و در اربعین شهدای تبریز، مردم یزد و کرمان نیز به خیابان‌ها ریختند. فریدون هویدا می‌گوید: «اربعین، عددی نمادین بود که از قیام عاشورا گرفته شده بود. برگزاری چهلمین روز هر حادثه آن قدر پشت سر هم تکرار می‌شد تا یک حرکت اعتراض ابتدایی را در نهایت به یک انقلاب حقیقی و اصیل مبدل ساخت» (هویدا، ۱۳۷۱، ص. ۴۴). حتی سربازانی که در ارتش باقی‌مانده بودند (فرار نکرده بودند) تحت تأثیر تبلیغات مذهبی قرار داشتند و مراسم عزاداری را در پادگان‌ها برپا می‌کردند (باقی، ۱۳۷۳، ص. ۳۵۰) و لذا علی‌رغم حکومت نظامی، دولت ازهاری در سال ۱۳۵۷ تظاهرات تاسوعا و عاشورا را آزاد اعلام کرد که تظاهرات بسیار بزرگی در این دو روز برگزار شد که با شکوه‌ترین رفراندوم تاریخ انقلاب اسلامی خوانده شده است (ملکوتیان و دیگران، ۱۳۸۳، ص. ۹۱) این واقعه به فرار شاه از ایران و ورود امام خمینی به کشور منجر شد و بسیج گسترده‌تری را برانگیخت.

از تاریخ ۱۹ دی ۱۳۵۶ تا پیروزی انقلاب کلیه تظاهرات مردمی جنبه مذهبی داشته و با توسل به نسبت‌های مذهبی عاشورا و اربعین و اعیاد و مراسم مذهبی بوده است. در بخش دیگری از جنبش انقلابی و تظاهرات گسترده در میدان شهدا امام خمینی ۱۷ شهریور را تکرار تاریخ عاشورا نامیدند. امام در پیامی به مناسبت کشتار مردم در میدان ژاله می‌گوید:

۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید؛ و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فروریخت (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، صص ۴۴۶-۴۴۵).

در سال ۱۳۵۷ آغاز محرم نقطه عطف دیگری در بسیج مردمی انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد. دولت چند روزی را که به محرم مانده است خود را مجهز می‌کند، توپ‌ها و تانک‌ها در خیابان‌ها و حتی تانک‌های کوچک‌تر بر سر کوچه‌ها مستقر می‌شوند. شهر حالت جنگ‌زده به خود می‌گیرد. مردم منتظر محرم هستند (خلیلی، ۱۳۶۰، ص. ۹۲). در این زمان امام خمینی به مناسبت فرارسیدن این ماه پیامی را صادر می‌نماید که در آن با تأکید بر فرهنگ حماسه و شهادت عاشورا مردم را به قیام و مبارزه علیه رژیم فرامی‌خواند. پیام این گونه آغاز می‌شود:

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطل بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زد، ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت... امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جاثرانه می‌کند، در مقابل او اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد بپاخیزید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۷۵).

در این پیام، استراتژی مبارزه با رژیم و استفاده از ظرفیت‌های این ماه به خوبی مشخص است. امام خمینی در بخش دیگری از این پیام که در دهم آذرماه ۱۳۵۷ به مردم ایران ارسال نمود خطاب به روحانیون و خطبا می‌گوید:

اکنون که ماه محرم چون شمشیر الهی در دست سربازان اسلام و روحانیون معظم و خطبای محترم و شیعیان عالی‌مقام سید الشهداء - علیه الصلاة والسلام - است، باید حد اعلای استفاده از آن را بنمایند و با اتکا به قدرت الهی، ریشه‌های باقیمانده این درخت ستمکاری و خیانت را قطع نمایند؛ که ماه محرم، ماه شکست قدرت‌های یزیدی و حیل‌های شیطانی است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۷۶).

به دنبال این پیام، تظاهرات بزرگی در اول محرم برپا شد که با تیراندازی مأمورین رژیم تعداد زیادی کشته و زخمی شدند به دنبال آن باز هم امام پیامی را به مناسبت کشتار اول محرم صادر نمود و با همسان‌سازی جنبش انقلابی با نهضت حسینی بر صف‌آرایی (جبهه‌گیری) بین حق و باطل تأکید داشت. در بخشی از این پیام آمده است:

این ملت، شیعه بزرگ‌ترین مرد تاریخ است که با تنی چند، نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن نمود و به خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو بحق امام - علیه السلام - با خون خود، سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نماید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۱۵۳).

مردم نیز این همسان‌سازی را ادراک و ایام محرم را به مبارزهای تمام‌عیار علیه حکومت پهلوی تبدیل کرده بودند، به طوری که در همان سال با نزدیک شدن تاسوعا و عاشورا رژیم به وحشت افتاد. دولت نظامی طبق قانون حکومت نظامی اجازه نمی‌داد که مردم در اجتماعات بیشتر از دو نفر ظاهر شوند؛ ولی مردم علی‌رغم تذکر دولت در کوچه و بازار اعلام می‌کردند که روز تاسوعا و عاشورا در راهپیمایی شرکت خواهند کرد. حتی اگر دولت نظامی مخالف این اجتماعات باشد. دولت چون می‌دانست که نمی‌تواند جلوی سیل خروشان مردم انقلابی و از جان گذشته را بگیرد از این جهت دو روز تاسوعا و عاشورا را آزاد اعلام کرد مشروط بر اینکه مردم فقط عزاداری کنند و شعار ندهند.

علی‌رغم این تمهید رژیم، تاسوعا و عاشورا به یکی از گسترده‌ترین بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران مبدل شد به طوری که در همه شهرها میلیون‌ها نفر به تأسی از نهضت امام حسین^(ع) به راهپیمایی دست زده و با حمله به مراکز دولتی و نظامی به مبارزه مسلحانه با رژیم پرداختند. در همین زمان در تهران راهپیمایی گسترده‌ای برپا شد که حدود سه میلیون نفر در آن شرکت داشتند. در این راهپیمایی قطعنامه‌ای در هفده ماده تدوین شده بود که با بلندگوها برای مردم قرائت می‌شد. در این بیانیه بر الگوگیری از نهضت کربلا تأکید اساسی شده بود. آغاز این قطعنامه این گونه بود:

در این روز بزرگ تاریخی، روز عاشورا، روز شهادت شکوهمند و الهام‌بخش سرور آزادگان، پیشوا و امام مسلمین جهان حسین بن علی (علیه السلام) و یاران رزمنده و وفادارش، ملت مبارز ایران با راهپیمایی بزرگ و کم‌نظیر خود که به دست نمایندگان اکثریت قاطع مردم ایران ترتیب داده شده قبل از هر چیز پیوند و پیمان خود را با قیام تاریخی و تاریخ‌ساز کربلا و اهداف مقدس بار دیگر تجدید می‌کنند (خلیلی، ۱۳۶۰، ص. ۱۱۴).

۲۰۱

صبح روز تاسوعا و عاشورا، محل‌هایی که مرکز شروع راهپیمایی تعیین شده بود، مورد حمله نظامیان قرار گرفت؛ زیرا آن‌طور که دولت قبلاً طرح‌ریزی کرده بود توقع داشت که کتل‌ها و علامت‌های مذهبی در خیابان‌ها به راه بیفتند و زنجیرزن‌ها خیابان‌ها را سپری کنند؛ اما با تعداد زیادی پلاکاردهای ضد شاهی در لابلای علم‌ها و پرچم‌ها مواجه شدند (خلیلی، ۱۳۶۰، ص. ۱۱۲). این پلاکاردها با نشان دادن جملاتی از امام حسین^(ع) و فلسفه و هدف قیام آن حضرت، همانندی بی‌نظیری بین این نهضت و جنبش انقلاب اسلامی را به تصویر می‌کشیدند و هر چه بیشتر مردم را به مبارزه فرامی‌خواندند. در این روز در اصفهان مجسمه شاه به پایین کشیده شد و هلیکوپترهای

ارتش به سوی مردم تیراندازی کردند و صدها نفر را به خاک و خون کشیدند و در تبریز و مشهد هم میلیون‌ها نفر شرکت کردند.

در بیشتر شهرهای ایران هم این تظاهرات برپا و منجر به درگیری و کشته شدن صدها نفر از مردم گردید. در تهران، راهپیمایی روز عاشورا بسیار گسترده برگزار شد و انعکاس زیادی هم در رسانه‌های خارجی داشت. در این روز هم با رویارویی رژیم تعدادی کشته و زخمی شدند.

امام در پیامی این راهپیمایی را فراندوم بزرگی از جانب ملت عنوان کرد و در بخشی از این پیام اظهار داشت: «شما در راهپیمایی‌های بزرگ سراسری ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای سید مظلومان و امام فداکاران- علیه الصلاة والسلام- با آن بزرگوار تجدیدعهد نمودید» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۲۲۱). رادیوهای بیگانه تظاهرات روز تاسوعا و عاشورا تمام ایران را در حدود ۲۰ میلیون نفر اعلام داشتند. در اربعین همین سال امام خمینی پیام دیگری را در قالب اعلامیه به مردم داد که به تعداد زیاد تکثیر و دست‌به‌دست می‌گردید. این پیام این گونه آغاز شد:

ماه محرم برای مذهب تشیع ماهی است که پیروزی در متن فداکاری و خون به دست آمده است. در صدر اسلام پس از رحلت پیمبرِ ختمی- پایه‌گذار عدالت و آزادی- می‌رفت که با کجرویهای بنی امیه اسلام در حلقوم ستمکاران فرو رود و عدالت در زیر پای تبهکاران نابود شود که سیدالشهداء نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و با فداکاری و خون خود و عزیزان خود، اسلام و عدالت را نجات داد و دستگاه بنی امیه را محکوم و پایه‌های آن را فرو ریخت؛ و در عصر ما می‌رفت که با کجروی‌های سلسله پهلوی، حلقوم گشاد آنان و دارو دسته و اربابان آنان اسلام و مصالح آن را بیلعد... نهضت ملت بزرگ ایران، که در دوازدهم محرم، ۱۵ خرداد به شکوفایی گرایید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۲۸۳).

پس از پخش این اعلامیه، تهران سراسر در آتش و دود غرق شد و هزاران نفر انسان دل‌باخته در مقابل سربازان مسلح دست به تظاهرات خیابانی زدند. کلیه پمپ‌بنزین‌ها بسته و رفت‌وآمد اتومبیل‌ها متوقف شده بود. تظاهرات و کشتار مردم به وسیله شاه در سرتاسر ایران ادامه داشت (خلیلی، ۱۳۶۰، ص. ۱۴۹). امام شرکت در راهپیمایی روز جمعه اربعین امام حسین^(ع) را بر تمام ایرانیان مسلمان، واجب شرعی و ملی اعلام می‌کند و در اعلامیه‌ای خطاب به مردم ایران می‌گوید: امسال اربعین امام امت در خلال اربعین‌های پیروان و شیعیان آن بزرگمرد اسلام واقع شده و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست و اربعین اخیر برادران ما بازتاب اربعین آن دلاوران می‌باشد؛ خون طاهر آنان به حکومت

طاغوتی یزید خاتمه داد و خون پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص. ۴۷۷).

این همانندسازی‌ها در شعارها و بیان مردم نیز تجلی یافته بود، در راهپیمایی اربعین هم راهپیمایان قطعنامه‌ای را تنظیم کرده که مرتباً از بلندگوهای نصب شده به درخت‌های حاشیه خیابان پخش می‌شد. این قطعنامه با این جمله آغاز شده بود: «در این روز تاریخی که ملت مسلمان و مبارز ایران هم‌زمان با اربعین سالار شهیدان و پیشوای آزادگان حضرت حسین بن علی^(ع) و یاران جانبازش به مرحله تازه‌ای از قیام یکپارچه ضد طاغوتی خود رسیده و در پرتو رهبری قاطع و روشن‌بینانه امام خمینی بر نخستین آزمایش دست یافته و شاهد بارور شدن خون‌های هزاران عزیز و فرزندان انقلاب اسلامی است...» و دربندهای دیگر آن خواستار سرنگونی خاندان پهلوی و برقراری حکومت جمهوری اسلامی شده بودند.

امام همواره در بیانات و سخنرانی‌هایشان با تشبیه جنبش با نهضت امام حسین^(ع) بر اسلامی و دینی بودن انقلاب و تداوم راه آن، تأکید داشت: «امروز مطلب مهم است. از مهماتی است که جان باید پایش داد. همان مهمی است که سیدالشهداء جانش را داد برایش... برای اینکه یک سلطان جائر بود، برای اینکه یک دستگاه جائر بود، باید به زمینش بزند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۳۳)؛ و همچنین در دیدار با جمعی از معلمان با وی در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ می‌گوید:

سید الشهداء - سلام الله علیه - کشته شد، شکست خورد لکن بنی امیه را همچو شکست که تا آخر نتوانستند دیگر کاری بکنند؛ همچو این خون، آن شمشیرها را عقب زد که تا الآن هم که ملاحظه می‌کنید باز پیروزی با سیدالشهداست و شکست با یزید و اتباع اوست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، صص. ۱۰۶-۱۰۵).

چند روز بعد از این سخنرانی در ۲۲ بهمن همان سال انقلاب اسلامی کاملاً پیروز شد و رژیم پهلوی متلاشی گردید.

انگاره‌های عاشورا در شعارهای انقلاب

با مرور شعارهای انقلاب اسلامی ایران نیز می‌توان عمق مذهبی ایدئولوژی انقلابی را درک کرد. در شعارهایی که از ابتدای شکل‌گیری تا اوج بسیج انقلابی از سوی توده‌های مردم ساخته و پرداخته شده بود آموزه‌ها و عناصر فرهنگی مربوط به نهضت امام حسین^(ع) و عاشورا بسیار پررنگ و برجسته بود و از نمادهای آن به‌خوبی استفاده می‌شد. اساساً هر انقلابی دارای شعارهایی برخاسته از ایدئولوژی انقلاب و ایمان و آمال و احساسات عمیق و انقلابی توده‌هاست. این شعارها بیانگر نگرش ایدئولوژیک انقلاب، انقلابیون و توده‌های انقلابی نسبت

به وضع موجود، هدف‌ها و ویژگی‌های نظام آرمانی و نحوه انتقال جامعه از وضع موجود به وضع آرمانی است (پناهی، ۱۳۸۳، ص. ۹). این شعارها مجموعه‌ای غنی و پرمعنا از ایدئولوژی و آرمانه‌ای انقلاب را تشکیل می‌دهد که با بررسی آنها می‌توان چشم‌اندازهای فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب را شناخت.

شعارها در انقلاب اسلامی ایران نقش اساسی در بسیج انقلابی داشت و به دلیل وجهه برجسته فرهنگی و معنویت‌گرایی آن شعارهای مذهبی و دینی، اثرگذاری جمعی بسیاری داشته است. شعارها در قالب عبارت‌های کوتاه و مهیج به مناسبت‌های مختلف در فرایند انقلاب ساخته می‌شد و به‌وسیله هزاران و در برخی اوقات میلیون‌ها نفر از توده‌های مردم به‌صورت جمعی تکرار و باعث شورآفرینی و حرکت انقلابی در بین توده‌های مردم می‌شد. انقلابیون نیز تمهیدات لازم را برای این حرکت فراهم می‌ساختند و به سازمان‌دهی آن می‌پرداختند. به‌عنوان مثال، در اربعین ۱۳۵۷ که اوج جنبش انقلابی ایران بود تعداد ۴۰۰ بلندگو در مسیر راهپیمایی نصب کرده بودند که این بلندگوها با ۸۰ دستگاه تقویت صدا کار می‌کرد و از آنها، شعار به‌ویژه شعارهای مربوط به امام حسین^(ع) پخش می‌شد (خلیلی، ۱۳۶۰، ص. ۱۹۰).

در شعارهای انقلاب اسلامی، اسطوره‌ها، عناصر نمادها و ارزش‌های قیام عاشورا بسیار به کار می‌رفت. همچنین استفاده از رسانه‌های سنتی، منبر و وعظ به همه‌گیر شدن این شعارها و همانندسازی‌ها در سراسر کشور کمک می‌کرد. در بخش زیادی از شعارها مفاهیمی مانند شهادت، ایثار شجاعت، آزادگی و فداکاری متبلور و آرمان‌های متعالی و مقدس انقلاب را تبیین می‌نمود برخی از این شعارها عبارت بودند از:

- سربازیم و آماده شهادت، راه حسین تنها ره سعادت، می‌جنگیم همچون حر
- تنها ره سعادت، ایمان، جهاد، شهادت
- صلح حسن بود، راه سعادت / جنگ حسین داد درس شهادت
- حسین حسین شعار ماست / شهادت افتخار ماست
- می‌جنگیم، می‌رزمیم، در راه دین و هدف، یا حسین یا زینب
- می‌دهد این ندا خون شهیدان تف / زندگی بود جهاد و جهت و شرف
- خواب غفلت بس است، رنج و ذلت بس است / الله اکبر خمینی رهبر
- کشتگان راه حق راه حسینی رفته‌اند / ماندگان شهر ما لیبیک به زینب گفته‌اند
- محتوای بخش دیگری از شعارها جبهه‌گیری حق و باطل را از طریق همانندسازی بین امام حسین^(ع) و یزید با رهبری امام خمینی و رژیم پهلوی نشان می‌دهد مانند:

- این رژیم پلید است/ بدتر از یزید است
 - ای یزید زمان حسین آمد/ حامی ملت از خمین آمد
 - حسین جان، حسین جان / بین یزید زمان چه کرده با عزیزان
 - حسین و سربازانش، خمینی و یارانش، حافظ عدل و دادند
 - یزید و مزدورانش، پهلوی و یارانش، آدمکش و جلادند
 - خمینی خمینی تو وارث حسینی/ پهلوی، پهلوی تو وارث یزیدی
 - ظهر عاشورا است امروز/ پهلوی رسواست امروز
 - یا حسین بن علی راه تو برگزیدیم، گرفتار یزیدیم
 - نظر کن به ایران، به این خلق مسلمان
- بخش دیگری از شعارها در حمایت از رهبری امام خمینی است که در محتوای آنها ایشان را ادامه دهنده راه امام حسین^(ع) و تداوم نهضت عاشورا در سراسر تاریخ و علیه هر گونه ظلم و جور معرفی می کنند مانند شعارهای زیر:

- نهضت ما حسینی است/ رهبر ما خمینی است
 - اربعین حسینی است/ پیروزی از خمینی است
 - از خاکمان می روید سرود یا خمینی/ این انقلاب ما شد یک نهضت حسینی
 - قسم بر نهضت پاک حسینی/ که هرگز برنگردیم از خمینی
 - گریار حسینی، بپیوند به خمینی، بپیوند به خمینی
 - خمینی، خمینی / تو فرزند حسینی
 - حسین ثارالله / خمینی روح الله
 - حسین عصر ما خمینی بود/ مشی و مرام او حسینی بود
 - سلام بر حسین، رهبر آزادگان/ درود بر خمینی، رهبر مستضعفان
- محتوای اکثر شعارهای مهم و معمول جنبش انقلابی ایران تداوم بخشیدن قیام امام حسین^(ع) از طریق مبارزه با حکومت پهلوی است مانند شعارهایی چون:

- کل یوم عاشورا کل ارض کربلا
- امروز عاشورا شده، ایران کربلا شده
- ایران کربلا شده/ هر روز عاشورا شده
- این زمان عاشور است/ این سرزمین کربلاست
- برادر مجاهد، حسین را زنده کردی/ ای خواهر مجاهد، زینب را زنده کردی
- حسین راه ترا ما برگزیدیم/ ما چون تو گرفتار یزیدیم

نوذر امین صارمی: نقش آموزه های عاشورا در بسیج سیاسی انقلاب اسلامی

- قسم به انقلاب خونین خمینی / زنده کنیم قیام و آیین حسینی
 - قیامتی دوباره برپا کنیم / پیروی از حسین زهرا کنیم
 محتوای بخش دیگری از شعارها، مردم را به حرکت و جنبش فراخوانده تا با تأسی از قیام سرخ عاشورا به مبارزه‌ای تمام‌عیار علیه رژیم پهلوی (که از آنها به یزیدیان تعبیر می‌شد) دست بزنند مانند این شعارها:

- قیام سرخ حسین، تکرار باید گردد / علیه شاه خائن قیام باید گردد
 - راه ما تا ابد، راه زینب است / خون این لاله‌ها، مشت محکم است
 - ما لشکر خمینی، با نهضت حسینی، از پانمی‌نشینیم
 - ماه محرم ماه قیام است / ماه جهاد و ماه پیام است
 - محرم ماه جنگ کفر و ایمان / زمان مرگ امریکا در ایران
 - می‌جنگیم می‌رزمیم، در راه دین و هدف، یا حسین یا زینب
 - با فداکاریم در ره رب مجید / می‌کنم سرنگون کاخ ستمگر یزید
 - ماه شرف، ماه شهادت رسید / ماه رهایی از جنایت رسید

- سرباز وطن یار وطن، قصد سفر کن، اعلام خطر کن، اگر یار حسینی، ببیوند به خمینی
 در بررسی جامعه‌شناختی شعارهای انقلاب اسلامی که پناهی (۱۳۸۳) آن را انجام داده، ۲۱۳۵ شعار جمع‌آوری و تحلیل شد که حدود ۲۰ درصد آنها به صورت مشخص دارای عناصر و نمادهایی از نهضت عاشورا و امام حسین^(ع) و مفاهیم مرتبط با آنها بوده‌اند که نشانگر نقش برجسته قیام عاشورا و فرهنگ محرم در ایدئولوژی انقلاب اسلامی و همانندسازی با آن بوده است.

در مضامین شعارهای انقلاب اسلامی مفاهیم «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا» به بهترین وجه تفسیر شد و مسئولیت شیعه بودن، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری و صدها واژگان دیگر از این دست چون گریه بر شهید، از عامل سستی و تسلیم به عامل شعور، حرکت، قیام و مبارزه تبدیل شد (حاضری، ۱۳۸۰، ص. ۳۸). با آگاهی به نقش پر اهمیت شهادت امام حسین^(ع) در فرهنگ ایرانیان به خوبی می‌توان پی برد که شهید نامیدن افراد تا چه حد به ارج و قرب آنها در نظر مردم می‌افزود و این همان عاملی بود که نقش اساسی در جریان انقلاب ایفا کرد (هویدا، ۱۳۷۱، ص. ۴۳) در این زمان الهیات تشیع، سلاح نیرومندی را در اختیار دستگاه روحانیت ایران گذاشت (مشیری، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۴) تا با آن میلیون‌ها نفر را به خیابان‌ها کشانده تا بدون واژه از کشته شدن تا براندازی رژیم جنبش انقلابی خود را تداوم بخشند.

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل اساسی در بسیج انقلابی، ایدئولوژی است. ایدئولوژی انقلابی با برانگیختن توده‌ها به سرنگونی رژیم کمک می‌کند. اساساً ایدئولوژی انقلابی نظامی ارزشی است که نارضایتی فردی را به نارضایتی سیاسی جمعی تبدیل کرده و توده‌ها را برای براندازی حکومت و جایگزینی ساخت مطلوب ترغیب می‌کند. در حقیقت، این مقوله باعث می‌شود تا گروه‌های مردمی در فرایند جنبش، از حالت منفعل و بی‌تفاوت به مشارکت‌کنندگان فعال در کنش‌های سیاسی تبدیل شوند.

بسیج سیاسی لازمه سازمان‌دهی است و این امر تا حدود زیادی به وسیله ایدئولوژی تأمین می‌گردد. ایدئولوژی انقلابی با کارکردهای خاص خود و ارائه ارزش‌ها، نمادها و اسطوره‌سازی به تهییج افکار عمومی پرداخته و با تعمیم و فراگیری، توانایی بسیج همگانی و سازمان‌دهی منابع را در راستای اهداف انقلاب (که آن‌هم با ایدئولوژی ارائه می‌شود) پیدا می‌کند. بسیج سازی نیازمند شکل‌گیری نوعی باور جمعی است تا توده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آنها را برای کنش انقلابی، از تظاهرات ساده تا حتی آمادگی برای شهادت آماده سازد.

در انقلاب اسلامی ایران ایدئولوژی و رهبری نقش برجسته‌ای داشته و لذا بسیج سیاسی در آن نیز آن‌چنان پر قدرت و گسترده بود که توانست یکی از قوی‌ترین و مدرن‌ترین ارتش و نظام‌های خاورمیانه را سرنگون نماید و بنا به اذعان بسیاری از صاحب‌نظران (مانند فوکو) وجه ایدئولوژیک آن بر سایر عناصر غالب بوده است.

آموزه‌های شیعی ظرفیت‌هایی را ایجاد کرد تا امام خمینی آنها را به ایدئولوژی انقلاب مبدل نماید از بین عناصر ایدئولوژیک شیعه، قیام امام حسین^(ع) علیه سلطه انقلاب امویان در قرن ۶۱ هجری قمری بیشترین تأثیر را در تبدیل این ایدئولوژی به بسیج اسلامی داشت. به‌ویژه آنکه رهبری نهضت در دست فردی بود که قابلیت‌های محرم از طریق سازمان‌دهی روحانیون و وعاظ را نیز در اختیار داشت. آنان عموماً شاگردان امام یا سایر علمایی بودند که در گروه مخالفان رژیم پهلوی قرار داشتند.

یکی از این ظرفیت‌های مهم، مشارکت عمومی و همه‌ساله مردم در مراسم ماه محرم و دسته‌های عزاداری تاسوعا و عاشورا و اربعین بود. شاه نمی‌توانست از این مراسم و دسته‌های عزاداری ممانعت کند و تجمع انبوه مردم در شرایط انقلابی بیشتر مردم را تحریک می‌کرد. همانندی با قیام عاشورا و تأسی از نهضت امام حسین^(ع) و یاران او در شعارها و بیانیه‌های مردمی نیز تجلی داشت. اکثر شعارهای مهم و کلیدی دارای مضامینی از شجاعت، مبارزه و قیام

حسینی بود و جبهه مخالف (رژیم پهلوی) را یزیدیان و سفاکان عاشورا می‌نامیدند. در بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی که در پایان راهپیمایی‌ها قرائت می‌شد عموماً در آنها از آموزه‌های عاشورا و نهضت امام حسین^(ع) مانند شهید و شهادت و مبارزه یاد می‌شد. همچنین در انقلاب ایران، رهبری پیوند تنگاتنگی بین عناصر جنبش انقلابی ایران با نمادها و اسطوره‌های فرهنگ عاشورا برقرار کرد به گونه‌ای که بدون وجود این پیوند، امکان فراگیری و توده‌ای شدن بسیج مشکل بود.

گیرتر تلاش می‌کند گذشتن شبکه‌های معنایی را از خلال نمادها نشان دهد و این نظریه را در چارچوب نوعی مردم‌نگاری تفسیری، مفهوم‌پردازی کند. هدف او رسیدن به پاسخی برای چگونگی ارتباط این شبکه‌های معنایی با یکدیگر و چیستی فرایندهایی است که برای فرد و گروه پدید می‌آورند. در همین راستا، همسان‌سازی با عاشورا در نمادهای زبانی برای فراخوانی اسطوره‌های جانشینی (عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، شهادت و ...) در قالب شعارهای انقلاب همچنین محتوای بیانیه‌های انقلابیون شبکه‌ای معنایی خلق کرد که در آن اسطوره‌های فرهنگ عاشورا و نهضت امام حسین^(ع) بیشترین حضور را در گفتمان ایدئولوژیک آن دوران (سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و شعارها) و بیشترین نقش را در بسیج سیاسی انقلاب داشت. به دلیل در آمیختگی نام امام حسین^(ع) با مفاهیمی مانند شجاعت، شهادت، ایثار و ازجان‌گذشتگی، مبارزه با ظلم و جور، این عناصر الگو و اسطوره‌ای برای رفتار انقلابی مردم ایران شد. با بهره‌گیری از نظریه گیرتر می‌توان نتیجه گرفت که آموزه‌های عاشورا در همه عناصر گفتمان انقلاب اسلامی از درون ذهنیت توده‌های اجتماعی آغاز و تعمیم یافت. پیروزی انقلاب و پویایی آن از عاشورا و نهضت امام حسین^(ع) الگوبرداری و تأثیرپذیری دارد. امام خمینی با استفاده از ظرفیت عاشورا و با توجه به قدرت جذب، الهام، سازمان‌دهی و شورآفرینی کربلا و عزاداری‌های ایام محرم، روح شهادت‌خواهی را در مردم بیدار کرد و عامل اساسی بسیج سیاسی انقلاب و شکل‌گیری راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا شد. بسیجی که در آخرین سال حکومت رژیم پهلوی را دچار فروپاشی نمود.

۲۰۸

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی تمام مقاله را نوشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- اسملسر، نیل (۱۳۸۰). *تئوری رفتار جمعی*. ترجمه رضا دژاکام، تهران: مؤسسه یافته‌های نوین.
- باقی، علی (۱۳۷۳). *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران*. تهران: نشر تفکر.
- برینتون، کرین (۱۳۶۶). *کالبدشکافی چهار انقلاب*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
- بشلر، ژان (۱۳۷۰). *ایدئولوژی چیست؟*. ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- بلائشه، پیر و کلر بریه (۱۳۷۲). *ایران: انقلاب به نام خدا* [مصاحبه با میشل فوکو]، ترجمه محمد باقر رضایی، تهران: انتشارات کتاب سحاب.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۷). *دست‌نوشته‌های درس جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی*، دوره دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پناهی، محمد حسین، (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی ایران*، تهران: سازمان اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*. ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- توحید فام، محمد (۱۳۸۱). *چرخش‌های ایدئولوژی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- جانسون، چالمرز (۱۳۶۲). *تحول انقلابی*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حاضری، علی محمد (۱۳۸۲). *انقلاب و اندیشه*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- روشه، گئی (۱۳۶۶). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- خلیلی، اکبر (۱۳۶۰). *گام به گام با انقلاب*. تهران: انتشارات سروش.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۱). *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دهم.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*. تهران: نشر روزنه.
- شقاقی، فتحی (۱۳۶۵). *جهاد اسلامی*. ترجمه حسین علوی، تهران: انتشارات طلوع.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). *نگاهی به رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تأکید بر تفسیر او از پدیده دینی*. نامه علوم اجتماعی، ۳۱، ۱۰۳-۱۲۴.

https://jnoe.ut.ac.ir/issue_1874_3659.html

•.....
- گیویان، عبدالله (۱۳۸۶). کلیفورد گیرتز و دیدگاه تفسیری او در باب دین و فرهنگ. فصلنامه
انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳ (۱۰) ۱ - ۲۷.

https://www.jcsc.ir/article_44330.html

- مانهایم، کارل (۱۳۵۵). ایدئولوژی و اوتوپیا، ترجمه فریبرز محمدی، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۸). تحلیلی بر انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- متقی زاده، احمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و عوامل وقوع آن. بی جا: انتشارات فجر اسلام.
- مشیری، فرخ (۱۳۸۴). دولت و انقلاب اجتماعی در ایران. ترجمه علی مرشدی زاده، تهران: نشر
قصیده سرا.

- ملکوتیان، مصطفی و دیگران (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن. تهران:
نشر معارف.

- هویدا، فریدون (۱۳۷۱). سقوط شاه. ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات اطلاعات.
- یزدخواستی، بهجت و موحدیان، حسن (۱۳۸۹). تأثیر انقلاب عاشورا بر انقلاب اسلامی ایران.
پژوهشنامه متین، ۱۲ (۴۷)، ۱۳۱-۱۴۸. [doi: 20.1001.1.24236462.1389.12.47.7.6](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1389.12.47.7.6)

- Eliade, M. (1967). *Myths, Dreams and Mysteries*. New york.
- Etzioni, A. (1968). *The Active Society*. New york, Free press.
- Fischer, Michale. (1980). *Iran From Religious to Revolution*, Cambridge.
- Geertz, C, Centers. (1983). *kings and charisma: Reflection of the symbolics of Power*, in Geertz, local knowledge: Further in interpretative Anthropology (New york, Books.
- Kepel, Gilles. (2002). *jihad, the trail of political Islam*. Harvard university press.